و آن نوشته تمام گشت که می‌گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید».

یعقوب ۲: ۲۳

فقط خداوند اهمیت دارد

در نهایت ابراهیم متوجه شد که تنها خداوند اهمیت دارد. او در این مکاشفه عظیم‌ترین مفهوم در دنیا را کشف کرد....

تصویری که این داستان در ذهن من می‌آورد این است که ابراهیم وعده‌ها و مقبولیت نزد خداوند را با شادی در دست خود گرفته و با خود می‌گوید، «زمانی که خدا را دارم، به چیز دیگری نیاز ندارم». ابراهیم از دوستی با خداوند لذت کامل را می‌برد. او به خاطر اینکه خداوند را اولویت اول خود قرار داد، برای ما تبدیل به مثالی برای ایمان شده است. برای ابراهیم تنها خدا مهم بود.

ابراهیم در مواجه شدن با خداوند آموخت که دلیل بودنش در زمین چیست. او بر روی زمین قرار داشت تا خداوند را در همه چیز و به هر شکلی جلال دهد و او را دائماً پرستش کند.

ابراهیم صدای خدا را شنید و با او ملاقات کرد. او به خداوند گوش کرد و به او پاسخ داد. او معنای قربانگاهِ پرستش و ستایش را می‌داند. قربانگاه پرستش و سرسپردگی‌ای که در قلبمان وجود دارد نیز باید به همان اندازه واقعی باشد.

این حقایق درباره ابراهیم و عکس‌العملی که او با تمام قلب خود در مقابل خداوند نشان داد، مرا شگفت‌زده می‌کند. ما چطور می‌توانیم در مقابل خداوند و فرمان‌هایش همین‌قدر پرشور و باحرارت باشیم؟ و چطور می‌توانیم مسیحیان ولرم را به این باور برسانیم که هیچ چیزی در دنیا به اندازه محبت خداوند و خواست او اهمیت ندارد؟

## ای پدر آسمانی، لطفاً درسی را که ابراهیم در تمام عمر خود درباره اهمیت تو آموخت به من بیاموز. لطفاً کمکم کن تا در رابطه‌ای که با تو دارم پرشور و جدی باشم. کمکم کن تا دیگران را نیز برای رابطه با تو ترقیب کنم، آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*